



کوبربریت؟

شما ای همه جنگ جویان دانا
چه نازید بر داستان‌های تاریخ
چه بالید بر زورمندان فردا
بمیرید، زیرا به مردن سزائید
بمیرید زیرا که آفت شمائید

دمکراسی، «حاکمیت قوانین انسان محور» است، نه
«حکومت مردم»! دمکراسی را تحریف نکنید! شما
که دم از «مبارزه» و «مقاومت مسلحانه» می‌زنید، اگر



همزمان با سخنرانی ۶ دقیقه‌ای الیزابت دوم در مجلس اعیان این کشور، انگلستان از سیاست سنتی خود در ایران عقب نشست. همچنانکه پیشتر هم گفتیم در جهان سیاست «فضای خالی» وجود ندارد. به همین دلیل فضای ناشی از عقب‌نشینی مذکور را «اتحادیه اروپا» اشغال کرد، و بلافاصله «مواضع نوین» حکومت جمکران به ویژه در باب «همکاری» با اشغالگران در افغانستان از زبان اکبربهرمانی انتشار یافت! بله، تقاضای نوکری برای ارتش ناتو، این است معنا و مفهوم واقعی «استقلال» حکومت اسلامی جمکران. پیش از ادامه مطلب پیرامون وبلاگ «سوداگران و فرهاد» چند نکته را در مورد پیامدهای مسابقات «مارگیری» توضیح دهیم.

با دموکراسی مخالف‌اید، بجای تحریف مزورانه آن به ما لطف کرده شهامت «ابراز مخالفت» خود را نشان دهید. مبارزات مسلحانه پیشکش‌تان. «حکومت مردم» و «حکومت مردم بر مردم» خارج از چارچوب قوانین انسان‌محور همین توحشی خواهد بود که از طریق کودتای شکوهمند ۲۲ بهمن و رفراندوم مزورانه ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۵۸ بر ملت ایران تحمیل شده. خاستگاه شعارهای گوساله‌فریبی از قبیل «حکومت مردم» و «حکومت مردم بر مردم» و «جمهوری ایرانی» همان ساواک جمکران است که طی سه دهه اخیر به نشخوار تبلیغات سازمان سیا اشتغال دارد، البته با رعایت «تقیه» و پفیوزی و انکار هرگونه رابطه با آمریکا.

«دین سبز» و «جامعه جنبشی»، همچون «اعترافات» زندانیان نمایشی «انتخابات» جمکران، از جمله «غنائم جنگی» استعمار است که پس از شبیخون به ملت ایران بین سربازان‌اش تقسیم می‌شود. طبیعی است که در این میانه، پس از ارباب حکومت در لندن، الویت با «رهبر» بوده، «سهم» ایشان از سهم دیگر سگ‌های هار استعمار بیشتر باشد. همچنانکه به یاد داریم، یک هفته پس از «انتخابات»، در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۹، مبلغ یک میلیارد و ششصد میلیون دلار از دارائی‌های ما ملت در انگلستان مسدود شد! ولی از آنجا که حکومت جمکران حکومت «معنویت» است، سهم رهبر حکومت کذا هم «معنوی» بود. جنتلمن‌های نزولخور برای خامنه‌ای مجوز سرکوب فرهنگی صادر کردند و متن سخنرانی خامنه‌ای در مورد «علوم انسانی» با تکیه بر سخنان جباریان منفور در نمایش «اعترافات» تنظیم شد.

امروز «هیزاکسلنسی» سایمون گاس، سفیر انگلستان در جمکران، در مقام «خداوند» طی مصاحبه با پیامبران خود در «بی‌بی‌سی»، خواهان همکاری و «تعامل» و اینجور چیزها با بندگان در جمکران شدند. به عبارت دیگر دولت بریتانیا پیشتر برای چپاول و سرکوب ما ملت با حکومت جمکران هیچ همکاری نداشته! به عنوان نمونه، آشوب‌های خردادماه در ایران، «بازتولید» سیاست «سنتی» استعمار انگلستان در برابر روسیه تزاری نبوده! عجیب است که «هیزاکسلنسی» حماقت و بلاهت نوکران‌شان را در جمکران به ما ملت «تعمیم» داده‌اند. مستر گاس! شما که احمق نیستید، پس لطف فرموده ما را ابله نیانگارید! عقیده‌سازی و سربازگیری، یعنی «شایعه پراکنی» و به راه انداختن کاروان خردجال در ایران برای امتیاز گرفتن از روسیه و زدن جیب

ملت ایران پدیده نوینی نیست. از هنگام فتوی خائنانه میرزای شیرازی، این شیوه مقدس به صورت رسمی شناخته شده. توطئه «انتخابات» ثابت کرد که در سیاست استعماری انگلستان در ایران هیچ تغییری صورت نگرفته. و امروز که سفیر انگلستان به ما «ابراز محبت» می‌کند، و قلاده «فی‌فی» و «لاسی» را به دست گرفته، مطالبات استعمار بریتانیا را برای تداوم «انزوای سیاسی» و تشدید «تحریم‌های اقتصادی» از زبان منوچهر متکی، اکبر بهرمانی و سرداران جمکران می‌شنویم.

**به جز پهنه‌هایی پر از دود و آتش
[...]**

**به جز ناله‌هایی پر از خشم و نفرت
به جز دوزخی واژگون و دگرگون
به جز تندبادی که آهسته خواند
سرود غم خویش در گوش هامون
به جز انتقامی چنین تلخ و نارس
بگو با من ای دل، چه ماندست با
کس؟**

به گزارش واحد مرکزی خبر، روز گذشته سفیر سوئد با اکبر بهرمانی دیدار و گفتگو کرد. یادآور شویم که سران روسیه و اتحادیه اروپا در استکهلم پیرامون «تأمین امنیت انرژی» با یکدیگر به توافق رسیدند، و خلاصه سخنان رفسنجانی را فقط در چارچوب توافق اربابان‌اش با روسیه می‌توان بررسی کرد.

بهرمانی ضمن ابراز انزجار از سلاح هسته‌ای، و شیون و ناله و زاری از سیاست‌های غرب می‌گوید، اگر آمریکا به سیاست‌های خود در قبال ایران ادامه دهد ما بدون توجه به این سیاست‌ها «طبق موازین» به فعالیت صلح‌آمیز ادامه خواهیم داد، و «اژانس بین‌المللی انرژی اتمی» موظف است «سوخت» مورد نیاز برای مصارف تحقیقاتی را در اختیار ما بگذارد. به عبارت دیگر، گورکن‌ها آنقدر برای پاسخ رسمی به پیشنهادات گروه ۵+۱ پابه‌پا کردند، تا اتحادیه اروپا بتواند با تهدید مسکو امتیازات لازم را کسب کرده، و آمریکا هم بتواند جهت فراهم آوردن زمینه مناسب برای سرکوب ملت ایران، «انزوای سیاسی» حکومت توحش را تداوم بخشد. «انزوای سیاسی» به همراه «تحریم اقتصادی» همچنانکه پیشتر هم گفتیم شیشه عمر حکومت توحش است. در نتیجه ایالات متحد و شرکاء برای «تداوم وضع موجود» تمام امکانات خود را به کار می‌برند تا مزدوران خود را در داخل و خارج ایران به عنوان «مخالف» به ما بفروشند. به همچنین است در مورد گورکن‌ها که برای حفظ پرستیژ اربابان خود در ینگه‌دنیا و اسرائیل، همچنان شعار «مرگ بر آمریکا و اسرائیل» سر می‌دهند.

در این راستا روز گذشته اکبر بهرمانی به سفیر سوئد می‌گوید، از آنجا که رژیم پهلوی از غرب «اطاعت» می‌کرد، غربی‌ها قصد داشتند پیشرفته‌ترین تکنولوژی هسته‌ای را به ایران تحویل دهند ولی ما چون از آن‌ها اطاعت نمی‌کنیم، و «مردم» هم به دلیل «اعتقادات دینی» زیر بار وابستگی به غرب نمی‌روند آمریکا با ما دشمنی می‌کند! به عبارت دیگر این جانور وحشی چنین القاء می‌کند

که پیش از استقرار حکومت اسلامی «مردم» اعتقادات مذهبی نداشتند، یا شاید همزمان با تخلیه «امام» در فرودگاه مهرآباد، «مردم» دیگری جانشین «مردم ایران» شده‌اند. با توجه به مزخرفات آخوند جنتی در وقوفیه جمعه گذشته این «مردم» باید همان «مردم» دوران «خلافت علی» در صحرای عربستان باشند که از چرندیات فوکویاما در باب «دین ضداستبداد» نیز آگاهی دارند. خلاصه مطلب این «مردم»، زمان و مکان مشخص ندارند، و از دوره خلافت «آن‌علی» به دوران ولایت «این‌علی» در هزاره سوم اسباب‌کشی کرده‌اند تا اکبر بهرمانی بتواند این‌علی و کل دستگاه «ولایت» حکومت «مستقل» جمکران را که سه دهه است افتخار نوکری برای آمریکا را دارد به عنوان «ضدامپریالیست» معرفی کند، آنهم به دلیل «باورهای دینی» و توهمات «مردم»! همان مردمی که «حکومت‌شان» در قاموس مخالف‌نمایان فریبکار حکومت جمکران «دمکراسی» خوانده می‌شود. حال آنکه «حکومت مردم» اگر خارج از چارچوب «قوانین انسان‌محور» قرار گیرد، جز فاشیسم هیچ نخواهد بود.

بله بی‌دلیل نیست که داس‌الله، همچون حزب‌الله هم‌صدا با اکبر بهرمانی بر طبل «مردم» می‌کوبد. باری حاج اکبر در ملاقات خود با سفیر سوئد علاوه بر استقلال «حکومت مردمی»، سخنان ابلهانه دیگری نیز بر زبان رانده و از آنجمله است، وضعیت مطلوب دمکراسی و حقوق بشر در جمکران، و اعتراض به روابط غرب با حکومت‌هایی که «انتخابات» بر پا نمی‌کنند! همچنانکه پیشتر هم اشاره شد، اربابان گورکن‌ها برگزاری مسابقات مارگیری را «انتخابات» به شمار می‌آورند تا آب‌منگل‌ها بتوانند خود را با

تکیه بر این مضحکه «منتخب» مردم نیز معرفی کنند. حال آنکه اربابان جمکران نیک می‌دانند که در یک تفوکر اسی نمی‌توان انتخابات دموکراتیک برگزار کرد. ولی از آنجا که منافع غرب چنین ایجاب می‌کند، شیپورهای جنگ‌فروشان و روشنفکران‌شان در اینمورد خاص همگی به «اجماع» رسیده، «خفقان» اختیار کرده‌اند تا یک جانور وحشی به نام اکبر بهرمانی بتواند حکومت پوشالی و دست‌نشانده غرب را «مستقل» و مردمی جا بزند، و برای حفظ آبروی ارباب، برقراری روابط شفاف با آمریکا را هم نشان «وابستگی» بداند، آنهم در برابر سفیر کشوری که از واسطه‌ها و دلال‌های «مطمئن» آمریکا و جمکران است:

«آمریکا و غرب [...] خواهان نفوذ گسترده در اینجا [ایران] هستند ولی مردم ایران به دلیل سوابق طولانی تمدن چند هزارساله و عقاید دینی قطعاً زیربار فرمانبری و وابستگی دوباره نخواهند رفت [...] وضع حقوق بشر و دموکراسی در [ایران] به مراتب مطلوب‌تر از بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه است.»

اکبر بهرمانی چه می‌گوید؟ او ادعا می‌کند که روابط آشکار با آمریکا به معنای «گسترش نفوذ» غرب و وابستگی حکومت ایران است، و «مردم» به دلیل تمدن و اعتقادات دینی‌شان با این وابستگی مخالف‌اند. عجیب است که «مردم» با پر کردن جیب آمریکا از ثروت‌های ملی، و با واردات کالاهای غرب و به ویژه کالاهای آمریکائی که در چین تولید می‌شود

هیچ مخالفتی ندارند! ولی ما تعجب نمی‌کنیم، این «مردم» در حکومت جمکران همچون امام‌شان معتقدند، «اقتصاد مال‌خر است!» این «مردم» فقط باید مراقب باشند که اسلام خدشه‌دار نشود، در نتیجه، به امور اقتصادی و سیاست اقتصادی دخالت نمی‌کنند، مگر اینکه کارخانه رجاله‌پروری، با هدف کسب امتیاز از روسیه کاروان خردجال در تهران به راه‌اندازد. البته سفیر سوئد، برای شنیدن این ترهات با رفسنجانی ملاقات نمی‌کند. سفیر سوئد به حاج اکبر تفهیم می‌کند که برای تأمین و گسترش منافع غرب در ایران چه مزخرفاتی باید بگوید. بعد هم برای ابراز مواضع اصولی حکومت جمکران، یا تکرار مطالبات استعمار ضمن تشکر از رفسنجانی، به گسترش رابطه با گورکن‌ها ابراز تمایل می‌کند:

«ماگنوس ورنشتد، سفیر سوئد [...] در این دیدار با تشکر از مواضع اصولی [حکومت اسلامی] به پیشینه خوب روابط ایران و سوئد اشاره و تأکید کرد: گسترش [...] مناسبات با [حکومت اسلامی] خواست سوئد است و در این جهت تلاش خواهد کرد.»

بله چه بهتر از این! شما بر اساس «خواست مردم» فرضی حکومت کنید، ما هم روابطمان را با شما گسترش خواهیم داد. سخنان اکبر بهرمانی در واقع مطالبات استعمارگران است که خواهان تداوم انزوای سیاسی ایران، تحمیل تحریم‌های گسترده‌تر اقتصادی بر ما ملت و تداوم روابط پنهان‌اند. چرا

که فقط در پس پرده همین روابط پنهان است که بدون هیچ مسئولیتی می‌توان حکومت‌های «مستقل» و «تبه‌کار» و «بی‌قانون» نظیر حکومت اسلامی جمکران را مورد حمایت قرار داد: مناطق تجارت قاچاق، بازارسیاه، تهدید، تحریم، سرکوب‌های فردی، قومی، نژادی و بهتر بگوئیم مناطق هرج‌ومرج و فاقد نظم قانونی که در آن‌ها «حق طبیعی» یا احکام توحش الهی حاکم است. می‌بینیم که هیچیک از متفکران صاحب‌نام غرب حکومت اسلامی جمکران را یک حکومت فاقد نظم قانونی نمی‌خواند، کاملاً بر عکس، پروپاگانديست‌های غرب تلاش می‌کنند، ایرانی را در چارچوب حقارت و ذلت احکام شیعی مسلکان به زنجیر کشند. به این ترتیب است که می‌توان «حضور» بردگان چادرسياه در عرصه اجتماع را «پیشرفت زن ایرانی» جلوه داد، یا برپائی نمایش مهوع مارگیری را «انتخابات» خواند، و دخالت قانون‌شکنانه دستاربن‌دان در آشوب‌های پس از «انتخابات» را به ابزار کسب وجهه برای همان آخوند جماعت تبدیل کرد. از این‌رو، هرگز از زبان «نوام چامسکی» نخواهید شنید که برگزاری انتخابات در یک تئوکراسی جز «شبیه‌سازی» و تقلید میمون‌وار هیچ نیست. دلیل هم اینکه حضرت چامسکی عضو همان محفلی است که پیشتر «هاناآرنت» را به عنوان متفکر و فیلسوف به افکار عمومی حقنه کرده: محفل جنگ‌فروشان نژادپرست! در مورد چامسکی مفصل گفته‌ایم پس بهتر است نگاهی شتابزده به «هاناآرنت» داشته باشیم.

چامسکی و هاناآرنت از نظر مواضع سیاسی‌شان در منطقه دو روی سکه فاشیسم‌اند. اولی برای اسرائیل دشمن تراشی می‌کند، حال آنکه دومی

با ارائه نظریه‌های «حسینی» دعوت به «انقلاب» می‌کند! چامسکی به بهانه دفاع از حقوق فلسطینیان، تلاش دارد با تأکید بر تجاوز و قانون‌شکنی دولت اسرائیل افکار عمومی را در کشورهای مسلمان‌نشین در تقابل با مذاکرات صلح قرار دهد. گفتیم که انتشار «خاطرات» دست‌ساز کارتر و برژینسکی و دیگران نیز با هدف برانگیختن نفرت ملت‌های منطقه علیه اسرائیل صورت گرفته. در واقع برای ممانعت از استقرار صلح و بازگرداندن اسرائیل به مرزهای قانونی‌اش تداوم و گسترش این دشمنی الزامی است، هر چند کافی نیست. این نفرت می‌باید طرف مقابل را به عملیات شهادت طلبانه، شورش و شتافتن به سوی مرگ تشویق کند.

برای تحقق این مهم، هاناآرنت، جنایات نازی‌ها را به ابزار تبلیغ برای شورش تبدیل کرده. البته مرگ به ایشان مهلت نداد اگر نه امروز می‌توانستند ابهام نظریه‌های‌شان را تا حدی برطرف کرده، بر جذابیت مرگ و شهادت و انقلاب هر چه بیشتر بیافزایند. این مختصر را گفتیم تا مخالف‌نمایان حکومت جمکران در فرنگستان با تکیه بر سرکوب وحشیانه ملت ایران برای جوانان «فراخوان مرگ» صادر نکنند. شورش جوانان همان است که حکومت توحش و اربابان‌اش می‌طلبند، چرا که شورش دست اینان را برای سرکوب و جنایت بیشتر باز می‌گذارد.

به تنگ آمدم زین همه کینه‌توزی

[...]

تمدن گر اینست کو بربریت؟

(نادر نادرپور)